



## مقدمه

مدیریت از اصول مهم زندگی فردی و اجتماعی آدمیان است، به گونه ای که اگر مدیریت صحیح بر زندگی انسان حاکم نباشد سرمایه هایی که وجود دارد تباه خواهد شد و استعدادها شکوفا نخواهد گردید و با از بین رفتن سرمایه ها و شکوفا نشدن استعدادها فرد و جامعه دچار انحطاط می شود در حالی که اگر مدیریت صحیح و کارآمد بر جامعه حاکم باشد استعدادها شکوفا و سرمایه های مادی و معنوی و انسانی در جهت رشد و تکامل و توسعه همه جانبه به جریان خواهد افتاد و در نتیجه به ابداع و ابتکار و نوآوری دست خواهد یافت. کسی می تواند مدیریت کارآمد و خلاق و شکوفا کننده استعدادها باشد که دارای سه ویژگی تعهد و تخصص و تجربه باشد و اگر مدیری فاقد هر یک از این ویژگی ها باشد مدیر موفق نخواهد بود. در تعالیم اسلامی نیز به شرائط مدیر توجه خاص مبذول داشته و هم الگوهایی را معرفی کرده تا کسانی که می خواهند مدیریت جامعه را برعهده بگیرند ضمن برخورداری از آن شرائط از الگوهای الهی پیروی نمایند. الگو هایی که اسلام به ما معرفی می کند تربیت شده الهی هستند تا به بهترین شکل ممکن به هدایت جامعه بپردازند.

ما در این مقاله به معرفی پیامبر اسلام به عنوان الگوی مدیریت موفق می پردازیم. انسانی که با ظهور در جامعه ای که شاخصه آن جاهلیت و نادانی بوده است، توانست تحوّل و دگرگونی ایجاد کند که تمام امکانات خود را در جهت پایه گذاری تمدن و پیشرفت جامعه به کارگیرد و به گفته امیر المؤمنین علی بن ابیطالب (ع) مردم که در آن زمان بدترین دین و آیین را داشته و در بدترین سرزمین ها زندگی می کردند در میان سنگ های خشن و مارهایی که فاقد شنوایی بودند، آبهای آلوده را می نوشیدند و غذاهای ناگوار می خوردند و خون یکدیگر را می ریختند و پیوند خویشاوندی را قطع می نمودند و بت ها در میان آن ها برپا بوده و گناهان سراسر وجود آن ها را فرا گرفته بود. (1) اما با بعثت پیامبر در بین آنان، آن ها را «فهداهم به من الضلالة و انقذهم بمكانه من الجهالة» (2) هدایت کرده و از گمراهی نجاتشان داده و با موقعیت خود آنان را از جهالت نجات بخشید. این مطلب را در پنج بخش پی گیری می کنیم.

## 1- امتیاز یک مکتب فکری

هر مکتب فکری و دینی برای نفوذ در میان پیروان و هواداران خود و برخورداری از اعتباری محکم و خدشه ناپذیر باید دارای دو امتیاز باشد.

**اول:** برخورداری از تعالیم صحیح و غیر قابل تردید و عقاید متقن و عقلانی و اصولی که هیچ نقصی بر آن ها وارد نشود به گونه ای که در برابر مکاتب و اندیشه های دیگر، قدرت هموردی و در نتیجه برتری داشته باشد، و به عبارت دیگر این مکتب فکری و دینی باید اولاً دارای عقاید و اصول جهان بینی باشد که بتوان از آن با منطق و عقل حمایت و دفاع کرد و ثانیاً مجموعه برنامه ها و دستورات آن با فطرت هماهنگ و با استعدادها و نیازهای افراد جامعه موافق باشد.

**دوم:** دارای نمونه های عینی باشد که تبلور و تجسم خارجی آن اصول و ارزش ها بوده باشد به گونه ای که هر فرد بتواند مکتب را در چهره و رفتار و شخصیت هر یک در آن ها بیابد، انسان هایی که هر بعد از شخصیت آنان و هر ویژگی های آنان در پرتو آموزه های آن مکتب پرورش یافته باشد.

در واقع این گروه اسوه های یک مکتب اند که با حضور و زندگی خویش محکمترین دلیل حقانیت و صحت تعالیم آن مکتب به شمار می روند، انسان هایی که این گونه افراد را ملاحظه می کنند که در حیات خویش در پرتو معارف دین به رشد و کمال شایسته ای دست یافته اند، به درستی و سودمندی اعتقادات و تعالیم آن پی می برند و نسبت به پذیرفتن آن مکتب تمایل و رغبت پیدا می کنند.

## 2- شخصیت انبیاء

شخصیت انبیاء نمونه ها و الگوهای مفیدی برای سالکان راه حقیقتند و دلیل اثبات حقانیت و درستی تعالیم اعتقادی و رفتاری و پیام های آسمانی که ره آورد نبوت است می باشند خدای برای اتمام حجت در زمینه هدایت انسان ها، رسولانی را برانگیخته است که علاوه بر ابلاغ پیام های الهی، خود نیز حجت و الگو و گواه مردمان باشند و بر تعالیم مکتب خود در عمل صحه بگذارند.

قرآن می فرماید: «رِسلًا مبشِّرین و منذرین لئلا یکون للناس علی الله حجة بعد الرسل» (3) فرستادگانی که برای ابلاغ رسالت و اتمام حجت بر مردم فرو فرستاده شده اند و مردم با رسالت آن ها دیگر در برابر خدا حجتی نخواهند داشت، زیرا آن رسولان نمونه های کامل و به مقصد رسیده آن مکتب می باشند.

خداوند در میان انسان ها پیامبران را به عنوان اسوه و تجسم عینی دین انتخاب می کند که از مهمترین ویژگی

آنان بشر بودن آنان است که سنخیت و هماهنگی با دیگر انسان ها داشته و در تمایلات و ویژگی های انسانی برخوردار باشند تا بین پیامبر و پیروان او پیوستگی عمیقی برقرار شود. از این رو پیامبران می گفتند ما بشری مانند شما هستیم «**قالت رسلهم ان نحن الابشر مثلکم**» (4) رسولان به آن ها گفتند ما جز بشری مانند شما نیستیم. پیامبر اسلام نیز به فرمان خدا خطاب به مردم فرمود: «**قل انما انا بشر مثلکم یوحی الیّ**» (5) ای پیامبر بگو همانا من انسانی همچون شما هستم که وحی برای من نازل می شود و از این جهت است که خدای متعال فرمود «**لکم فی رسول الله اسوة حسنة**» (6) برای شما در فرستاده شدن رسول خدا اسوه و الگوی خوبی است. از آن جایی که اسلام دینی جامع بوده و به تمام ابعاد زندگی - معنوی، مادی - فردی اجتماعی، جسمی، روحی، دنیوی، اخروی، عقلی، عاطفی و احساسی - انسان توجه کامل نموده است، الگوهایی که معرفی می کند باید از جامعیت برخوردار باشد و در رفتار، بینش، منش، عقیده، برخورد، تمام حرکات و سکنات، از جنبه فردی و اجتماعی و دیگر جنبه ها دارای امتیاز و کمال باشد تا بتواند انسان های طالب کمال را جذب و هدایت کند.

### 3- ضرورت اسوه و الگو

اسوه و الگو برای مقاصد و اهدافی در زندگی انسان ضروری است و دلایل آن عبارتند از:

**اول:** هدایت و راهیابی به حقیقت از طریق اسوه ها نخستین مرحله در رشد و تکامل انسان، شناخت مسیر تکامل و راه هایی به آن است که به قله تربیت و اوج کمال منتهی گردد. وجود الگوهای برتر و کاملتر در اختیار تربیت یافتگان مکتب های دینی یکی از اساسی ترین عواملی است که در امر هدایت و تربیت بشر نقش اول را به عهده دارد. زیرا این الگوها موجوداتی هستند که مسیر کمال را تا حدودی شایستگی الگو بودن را دارد، پیموده و مراحل از کمال را پشت سر نهاده و برانزده صفاتی نیکو شده اند و سالک لاجرم به لحاظ انگیزه های درونی و برونی باید پای در مسیر او گذارد و همچون او به سوی کمال رهسپار گردد. هدایت گری انبیاء و راهبری آن ها عمدتاً از جنبه الگویی و به لحاظ اسوه بودن آن ها تحقق یافته است به دین معنا که پیامبران به عنایت الهی و سیر و سلوکی عاشقانه، از خویشتن، انسانی خداگونه و متخلّق به صفات نیکو و فضایل اخلاقی ساخته اند. آن گاه است که انسان های دیگر از تمام ابعاد زندگی و رفتارشان سرمشق می گیرند و به دنبال آن ها حرکت می کنند.

**دوم:** میزان و ترازوی سنجش رفتار برای پرورش صحیح، وجود معیارهای رشد و تربیت ضروری است این معیارها که به منزله میزان و وسیله سنجش رفتار نیز هستند، گاه عینی و گاه ذهنی هستند، الگوها در مقام آموزش اصول عقیدتی و اخلاقی الگوهای ذهنی را ارائه می دهند و عمل خود الگوی عینی را در معرض نمایش قرار می دهند.

الگوهای انسانی میزان سنجش صفات پاک و پلید انسان هستند که انسان ها با عرضه خود به آن ها عملکرد مثبت و منفی و اخلاق خوب و فضایل و رذایل را اندازه گیری و ارزیابی می کنند.

**سوم:** عامل تحرک انسان ها وجود و حضور اسوه در جامعه مایه امیدی بر انسان های دیگر و ضعیفان در راه مانده است. هنگامی که انسان غافل از همه توانایی ها و استعدادها و انرژی های مّوّاج درون خویش به گوشه ای خزیده و از هر گونه تحرک و تلاش بازمانده است، نمایش الگوها یکی از عالی ترین عوامل برای ایجاد حرکت و جنبش است.

برخی گفته اند: وجود رهبر است که به پیرو اعتماد به نفس، اعتلاجویی، نیرو، فرجام اندیشی و اشتیاق می دهد. (7)

قرآن کریم و منابع اسلامی نیز به تحرک و جنبش آفرینی اسوه ها توجه کرده اند و از راه های گوناگون مردم را به پیروی اسوه ها فراخوانده اند و وجود اسوه ها را در جامعه باعث تمایل مردم به امور خیر و اقتدار آنان می دانند «ولکم فی رسول اله اسوة حسنة لمن کان یرجو الله و الیوم الآخرة و ذکر الله کثیراً» (8)

مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی است برای آن ها که امید به رجعت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند.

**چهارم:** عامل پیشگیری از انحرافات نمایش الگوها و اسوه های انسانی صالح در پیشگیری از جرائم انحرافات بسیار مؤثر و از مرجعیت مفید و سودمند می باشد زیرا انسان در یک اجتماع و فرهنگ و تاریخ خود، شاهد زبونی و ذلت و زشتی عناصر پلید و عزت و محبوبیت عناصر پاک است، لا جرم عشق پاکان را به دل می گیرد و آن ها را به عنوان الگوی رفتار می پذیرد و در نتیجه موفق به اندیشه ای پاک و رفتار صالح می شود و از پلیدی و پلیدان متنفر شده و انزجار پیدا می کند و به عبارت دیگر: نمایش الگوهای صالح و مدل های انسان کامل با افزایش جهت ها و راستی ها و امانت ها و پاکی های اخلاقی و منش انسانی، زمینه مبارزه با انحرافات و ناپاکی ها را فراهم می کند.

#### 4- ویژگی های روحی و عملی الگوها

الگوهایی که در جامعه نفوذ می کنند از شرایط و ویژگی هایی برخوردارند که با آن می توانند آثار فراوانی داشته و به آن نفوذ دست یابند آن شرائط و ویژگی ها را می توان بدو گروه تقسیم کرد.

## الف) شرایط درونی

ویژگی هایی که به اندیشه و دل و درون اسوه مربوط می شد شرائط علمی و روحی است و آن ها عبارتند از :

### اول: آگاهی و بصیرت

از مهمترین ویژگی ها و شرائط درونی اسوه ها داشتن آگاهی و بصیرت لازم است. از این رو خدا به پیامبر اسلام فرمود: «**قل هذه سبيلي ادعوا الى الله على بصيرة انا و من اتبعني**» (9) ای پیامبر بگو این راه من و پیروان من است که براساس بصیرت و آگاهی به سوی خدا فرا می خوانم و پیروان من نیز چنین اند.»

### دوم: ایمان

یکی از مهمترین شرائط درونی اسوه ها داشتن ایمان قوی به خدا و قیامت و پای بندی به اهداف الهی است زیرا اسوه ها ارشاد کننده آدمیان به نیکی ها و فضائل و راهنمایی آن به سمت هدایت است و تمام هدف او این است که مردم خدایشان را بشناسند تا به سعادت و رستگاری دنیا و آخرت دست یابند پس بر او لازم است که با یقین رابطه اش را با خدا محکم نماید و ایمانش همراه با دلسپردگی کمال و ارتباط مطلق با خدا باشد و تنها بر او توکل نماید قرآن فرمود: «**آمن الرسول بما انزل اليه من ربه**» (10) پیامبر به آن چه از سوی پروردگارش به او نازل شده ایمان دارد.»

### سوم: اخلاص

اسوه و الگوی دین در صورتی در کارها موفق می شود که در عقیده و عمل از اخلاص بهره مند باشد و عملش را تنها به منظور جلب رضای حق و ادای وظیفه و عاری از هر نوع تصنع و ریا کاری انجام دهد، زیرا اخلاص روح دین و اساس عبادت و پایه دعوت هر داعی الی الله است.

#### چهارم: حمیت و دلسوزی

یکی از شرائط مهم اسوه حمیت و دلسوزی نسبت به مردم است و کسانی که به هدایت انسان ها عشق بورزند. قرآن با بیانی شیوا دلسوزی و حمیت پیامبر را به مؤمنان اعلام می کند و می فرماید «لقد جائکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم» (11) براستی پیامبری از میان شما برای هدایت آمد که از شدت محبت پریشانی و فقر و جهل شما برای او سخت و گران است و بر آسایش و نجات و هدایت شما حریص و نسبت به مؤمنان بسیار مهربان و بخشنده می باشد. از این جهت خدا پیامبرش را رحمت برای جهانیان دانست و او را رحمة للعالمین معرفی کرده است.

#### پنجم: خوش بینی

یکی از صفاتی که اسوه های الهی از آن برخوردارند خوش بینی و حسن ظن نسبت به تمام افراد است به گونه ای که از هدایت هیچکس قطع امید نمی کنند هر چند در طغیان و عصیان در ردیف فرعون ها و قارون ها باشند اساس این خوش بینی آن است که آن ها می دانند خداوند انسان را با فطرت الهی آفریده است و اگر چه گرفتار طغیان و عصیان باشد باز امکان راه یافتن آن ها به حقیقت وجود دارد از این رو خدای متعال به موسای کلیم فرمود: «اذھب الی فرعون اِنَّه طغی فقل هل لک الی ان تزکی و اھدیک الی ربک فتخشی» (12) ای موسی به سوی فرعون بشتاب که او طغیان کرده است، پس بگو آیا می خواهی پاک شوی و به سوی پروردگارت هدایت کنم تا خشیت پیدا کنی.

#### ب) شرائط اخلاقی و عملی

علاوه بر شرائط علمی و روحی، اسوه ها باید از ویژگیهای اخلاقی و عملی نیز برخوردار باشند. که مهمترین آن شرائط عبارتند از :

- 1) مطابقت گفتار و عمل و هماهنگی رفتار و برخوردها با پیام ها و تعالیمش.
- 2) عمومیت صدق در گفتار و کردار به گونه ای که همه گفتارها و کردارهایش همدیگر را تصدیق کنند.
- 3) شرح صدر و تحمل همه ناملایمات با روحی بلند و استقبال از سختیها با افق فکری وسیع و حوصله ای سرشار.
- 4) صبر و استقامت و پایداری و شکیبایی در برابر موانع و همچنین حلم و بردباری.
- 5) متانت و نرمی: اسوه باید وقار لازم را داشته و در برابر مخاطبان آرام و آسانگیر و نرم خو باشد از این رو پیامبر اکرم نیز از این ویژگی برخوردار بودند.
- 6) عفو و گذشت نسبت به کسانی که به رنجاندن پیامبر و اسوه ها اقدام می کنند.

- (7) شجاعت در برخوردها و در اظهار اندیشه و ایمان و عمل و از هیچکس جز خدا نترسیدن.
- (8) تواضع و فروتنی و پرهیز از تکبر و خود برترینی.
- (9) نخواستن پاداش: زیرا رسالت وظیفه ای است که پیامبر باید آن را انجام دهد نه شغلی برای درآمد تا در پرتو این بخواهد درآمد مادی را به سوی خود جذب کند.

## 5 - پیامبر اسلام اسوه جامع و همه جانبه

در زندگی انسان پیامبر اسلام به عنوان اسوه حسنه معرفی شده است که بر انسان ها لازم است به طور مطلق و در تمام ابعاد زندگی از او پیروی نمایند.

پیامبر هم در بُعد فردی اسوه و الگو است هم در بُعد اجتماعی، هم در بعد عقلی و هم در بعد عاطفی و احساسی، هم در بعد معنوی، هم در بعد مادی از جمله ابعادی که شایسته توجه است بعد مدیریتی آن حضرت است که آن حضرت در طول 23 سال رسالت و نبوت خود، بالاترین موفقیت را در بعد مدیریتی احراز کرده است که به برخی اصولی که آن حضرت برخوردار بوده و همان عامل موفقیت آن حضرت بوده است اشاره می شود.

### 1- اصل رحمت و محبت

یکی از عوامل موفقیت مدیر اصل دلسوزی و محبت به کسانی است که در قلمرو مدیریت او زندگی می کنند.

### 2- شرح صدر

به عنوان مهمترین ابزار مدیریت است چنان که حضرت امیر فرمود: «آلة الرياسة سعة الصدر» (13) ابزار ریاست داشتن شرح صدر و سعه صدر است و خدا به پیمبر نیز شرح صدر عطا فرموده «الم نشرح لك صدرک». (14)

### 3- رعایت اهلیت در واگذاری مسئولیت ها

پیامبر اکرم (ص) مدیریت و کارها را به افرادی که شایستگی لازم را داشته اند واگذار می کرد بدون این که بین

سیاه و سفید و پیرو جوان و قریش و غیر قریش فرقی در این رابطه قائل شود.

#### 4- پای بندی به عهد و پیمان

پیامبر به عهد و پیمان خود پای بند بوده خلف وعده در حوزه مدیریت آن حضرت راه پیدا نمی کرد.

#### 5 - مدارا با مردم

یکی از اصول مدیریت پیامبر مدارا در معاشرت های سازنده اجتماعی بود. خود آن حضرت فرمود. «ان الله تعالى امرني بمداواة الناس كما امرني باقامة الفرائض» (15) خدای سبحان همان طور که مرا به برپایی واجبات امر نموده به مدارا با مردم فرمان داده است» از این جهت در وصف آن حضرت سیره نویسان نوشته اند «كان رسول الله (ص) دائم البشر، سهل الخلق، لين الجانب، ليس بفظ و لا غليظا» (16) پیامبر (ص) دائماً خوشرو و خوشخوی و نرم بود، خشن و درشتخوی نبوده است.

#### 6- اصل حفظ کرامت انسان ها

پیامبر اسلام چون خود کریم بود بیشترین تکریم را در رفتارش نسبت به خلق خدا داشت. از این رو فرمودند: پیامبر در مجلسش بهره هر کس را عطا می کرد هیچکس بی بهره از مجلس رسول خدا نمی ماند و چنان با کرامت با مردم برخورد می کرد که هیچکس گمان نمی کرد از او گرمی تر هم کسی باشد، مجلس او مجلس گذشت، حیا، راستی و امانت بود.» (17)

#### 7- مشاوره با مردم

یکی از اموری که پیامبر اکرم مامور به اجرای آن بوده مشورت بوده است که خدای سبحان به او فرمود «وشاورهم فی الامر» (18) در کارها با مردم مشورت کن، عمل به شورا از اصول مسلم سیره پیامبر اکرم (ص) بوده است «ان رسول الله كان يستشير اصحابه ثم يعزم على ما يريد» (19) رسول خدا با اصحاب خود مشورت می کرد، سپس بر آن چه می خواست تصمیم می گرفت.

## 8- مساوات و برابری

رفتار پیامبر اسلام سراسر نشان از رعایت مساوات است حتی در نگاه کردن به اصحاب آن را پاس می داشت «کان رسول الله (ص) یقسم لحظاته بین اصحابه فی نظر الی ذاو ینظر الی ذا بالسویه» (20) مجلس وی آنچنان بود که هیچ تفاوتی میان او و اصحابش دیده نمی شد و نگاهی را بین اصحابش تقسیم می کرد و به همه یکسان نگاه می کرد.

## 9- انضباط و جدّیت

یکی از ویژگی های پیامبر انضباط و نظم و جدیت در کارها بوده است به گونه ای که در زندگی فردی و اجتماعی بویژه در رابطه با مسائل اجتماعی هر کاری در زمان خود و در جای خود انجام می گرفت.

## 10- اقامه حق و عدالت

عدالت اجتماعی و اقامه آن در زندگی پیامبر اکرم (ص) از جایگاه بلندی برخوردار است. چرا که مثل همه انبیاء مأمور به اقامه قسط و عدالت بوده است و عدالت نگهدارنده ملت است «العدل قوام الرعیه» (21) و پیامبر اکرم فرموده است «عدل ساعة خیر من عبادة سبعین قیام لیلها و صیام نهار» (22) ساعتی عدالت از هفتاد سال عبادتی که شبهایش به نماز و روزهایش به روزه بگذرد برتر و بهتر است» و خود حضرت مأمور به برپایی عدل شده است «فلذلک فادع و استقم کما امرت و لا تتبع اهوائهم و قل آمّنت بما انزل الله من کتاب و امرت لا عدل بینکم» (23) پس باید به آن شیوه از پرستش دعوت کنی و روی راست چنان داری که فرمان یافتی و از خواهش های آنان پیروی مکن و بگو به ان کتاب ها که خدا فرو فرستاد ایمان آوردم و دستور یافتم که در میان شما عدالت کنم.

تا این جا برخی از ویژگی های مدیریت پیامبر (ص) بر شمرده شده است البته ویژگی های فراوانی است که توضیح و تعیین آن ها نیاز به تدوین کتاب مستقلی است.

پی نوشت ها :

2. همان، خطبه.1
3. سوره نساء، آیه. 165
4. سوره ابراهیم، آیه. 11
5. سوره کهف، آیه. 110
6. سوره احزاب، آیه. 20
7. دیباچه ای بر رهبر، ناصرالدین صاحب الزمان، ص.44
8. سوره احزاب، آیه. 20
9. سوره یوسف، آیه. 101
10. سوره بقره، آیه. 285
11. سوره توبه، آیه. 128
12. سوره نازعات، آیه 17-19
13. بحارالانوار، ج 75، ص. 357
14. سوره انشراح، آیه. 1
15. کافی، ج2، 117
16. طبقات ابن سعد، ج 1، ص 424 .
17. همان.
18. سوره آل عمران، آیه. 159
19. وسائل الشیعه، ج 8، ص.228
20. کافی، ج 8، ص. 368
21. غرر الحکم، ج 1، ص.25
22. جامع الاخبار، ص. 180
23. سوره شوری، آیه 151.